

## نامه‌های آیت‌الله میرفتاح شهیدی از نجف به تبریز

هادی هاشمیان

علامه فقیه حضرت آیت‌الله حاج میرزا فتاح شهیدی، در سال ۱۲۹۶ هـ.ق در روستای «دش آتان» از توابع تبریز دیده به جهان گشود. وی بعد از تحصیل دروس مقدماتی در زادگاه خویش، به تبریز مهاجرت نمود و بعد از فراگیری سطوح متوسطه نزد اساتید ممتاز حوزه علمیه تبریز، همچون آیت‌الله میرزا ابوالحسن انگجی، حاج میرزا حسن مجتهد تبریزی و سید احمد خسروشاهی، برای تکمیل مراتب علمی و تحصیل سطوح علمی در سال ۱۳۲۳ هـ.ق. به نجف اشرف هجرت کرد.

در نجف اشرف، درس اصول نزد آخوند ملاکاظم خراسانی خواند و فقه را از شیخ فتح‌الله شریعت اصفهانی و سید کاظم یزدی، فرا گرفت.

آیت‌الله شهیدی در نجف اشرف، مجلس درس مهمی داشت که فضایی بسیاری در آن حضور می‌یافتند، این فقیه فرزانه درس خود را به زبان عربی روان و رسا بیان می‌کرد. بسیاری از شرکت‌کنندگان عرب زبان از بحث‌های ارزشمند وی کمال بهره را می‌بردند.

پدر آیت‌الله شهیدی، حاج میرزا محمدعلی که به شیخ‌الاسلام ملقب بود، سال ۱۳۲۶ هـ.ق، در اوائل جریان مشروطه به دست مشروطه‌خواهان به شهادت رسید. وی عالمی فاضل و ادیبی وارسته و باتقوا بود. مرحوم شهیدی که در نجف به سر می‌برد، پس از این واقعه، نام «شهیدی» را به عنوان نام خانوادگی‌اش برگزید.

آثار علمی که از ایشان به یادگار مانده است بدین شرح است:

- ۱- تعلیقه بر وسیله‌التجاة.
- ۲- رساله تهذیب‌الاحکام فی قاعدة‌الالزام.
- ۳- هدایة الطالب الی الاسرار المکاسب. که شرحی موجز بر مکاسب شیخ مرتضی انصاری است.



آیت‌الله میرفتاح شهیدی

- ۴- شرح بر رسالة‌العدالة.
- ۵- تعلیقه بر رساله «التقیه».
- ۶- هدایة‌العقول، شرحی بر کتاب کفایة‌الاصول آخوند خراسانی می‌باشد.
- ۷- زادالتقوی، حاشیبه استدلالی بر عروة‌الوثقی.
- ۸- کشکول.
- ۹- القضاء عن المیت تعلیقه‌ای است بر رساله شیخ انصاری.
- ۱۰- شرح زیارت عاشورا.
- ۱۱- رساله جامع الدلالات فی القضاء و الشهادات.
- ۱۲- رساله در احیاء الاموات.
- ۱۳- تعلیقه بر برخی ابواب و مسائل.
- ۱۴- تحقیقی در مسأله قرعه.
- ۱۵- اجوبة‌المسائل الواردة.
- ۱۶- تحقیق در مسئله استهلاکیه.
- ۱۷- حاشیبه بر رسائل شیخ انصاری.
- ۱۸- تحقیق الدلائل، که سه موضوع را در آن بررسی کرده است.

آیت‌الله شهیدی بعد از ۲۳ سال تحصیل در نجف اشرف، برای معالجه و صلہ ارحام، به ویژه دیدار مادر و زیارت حضرت امام رضا (ع) به ایران بازگشت و در تبریز، به تدریس خارج اصول و فقه پرداخت. ایشان بعد از ۴ سال، یعنی در سال ۱۳۵۰ هـ.ق به درخواست آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی، دوباره به نجف اشرف اشرف بازگشت و آقا سیدابوالحسن اصفهانی را که در آن هنگام محور مرجعیت شیعه محسوب می‌شد، از نظر علمی و عملی همراهی نمود. در سال ۱۳۶۱ هـ.ق شهر نجف را ترک کرده و برای همیشه به تبریز رفت و تا آخر عمر به احیای حوزه علمیه تبریز و پرورش عالمان دین پرداخت. در ۱۵ ربیع‌الاول ۱۳۷۲ هـ.ق دیده از جهان فروبست و در قبرستان طوبائیة تبریز به خاک سپرده شد.<sup>۱</sup>

\*\*\*

آیت‌الله شهیدی طی اقامت طولانی در نجف اشرف نامه‌هایی برای دوستان و بستگان خود نوشته است که حاوی نکات تاریخی، اجتماعی و شخصی می‌باشد. این نامه‌ها نظر به اهمیتشان که بی‌گمان برای پژوهندگان مورد استفاده خواهد بود، در دسترس علاقه‌مندان قرار می‌گیرد.

۱. در شرح حال آیت‌الله شهیدی از نوشته‌های سودمند آقایان: عبدالکریم پاک‌نیا از «گلشن ابرار» ج ۴ و محسن قائمی «صاحبان فقه و حکمت» استفاده شده است.

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض نموده  
 در توقیفه در عصر ۲۴ شب وارد و قیام کرده در راه چهل سفره در  
 انگلستان که در آن روز در راه راجه معمره و مرده بود و در  
 حزب و سکر بود جماعتی از آنجا و بعضی نغمه‌ها در راه  
 مصروف با بر سر سر و سر و سر معطل است نه که خواهد  
 نمود خداوند اقرار سر مصلحت و غفران با سر معلوم را با سر  
 و روح پر فوج است که در سر و سر او بود که است  
 و خوشنودان در در دست و در دست است در سر و سر  
 حیات پر رونا در سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر  
 است و در سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر  
 بیشتر در سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر  
 و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر  
 علائق است بوده و آند در نیت و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر  
 مجتهد را تصور کرده و به سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر  
 چشمه‌ها می‌بندد و می‌بندد و می‌بندد و می‌بندد و می‌بندد و می‌بندد  
 است و در آن سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر  
 ای با سر حضرت خدیو و با سر حضرت سید محمد و سر و سر و سر  
 حضرت مسیح و با سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر و سر  
 سکون و قوه‌ها هر چه و هر چه و هر چه و هر چه و هر چه و هر چه و هر چه  
 محتاج نموده اند که هر چه و هر چه و هر چه و هر چه و هر چه و هر چه و هر چه

پیام بهارستان / د. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

عزیز من  
بسم الله الرحمن الرحیم  
بسم فرادخ شرفی که کارگاه دل و نام مستغنی علی انصاری که کاروانی می‌آید از  
مهر

در ایست محنت نموده و بی‌چ عبودیتش در راه راست در معنای روحانی و مادی است تا به سوی حق تعالی  
گردد

و روحش در آرزوی ظهور فیه رسیده و ذات است چه این بود در راه او که در راه او است  
داغ

تا به سوی دل مطرب او بودم که در راه او است چه این بود در راه او است  
سینه

تا به سوی دل مطرب او بودم که در راه او است چه این بود در راه او است  
قصور

اورا در خود با مبارک باشد در راه او است چه این بود در راه او است  
این

و تمام فریبش به طوریکه خود را بی‌سلاح به این راه در راه او است چه این بود در راه او است  
این

ایست مسلمین از یاد بیدار است که در راه او است چه این بود در راه او است  
این

مهرت در راه او است که در راه او است چه این بود در راه او است  
این

پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

سپیدالرحم

عمر سرد در تاریخ ...  
 در عین حال که در این مورد ...  
 در ادب و علمه ...  
 خیر الخیر و ...  
 جاب و ...  
 دارد ...  
 مرد است ...  
 این ...  
 با ...  
 خود ...  
 عزه ...  
 دام ...  
 فعل ...  
 این ...  
 مانده ...  
 در ...  
 تا ...  
 است ...  
 چه ...  
 امر ...  
 این ...  
 من ...  
 مگر ...  
 عهد ...  
 عمل ...  
 و ...

پیام بهارستان / د. ۲، ش ۶ / زمستان ۱۳۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم  
 مورخه ۱۸ صفر در عصر ۲۸ شهریور در دست لاری و کتانی  
 تبریز در سینه کاغذی که در آن کمالیست تقدیم نمودم / عذرت در باره تردید  
 که ملاحظه کردی زده بودم منج در آن نمودن / وقت ابرمت بودن زخمی و غیره  
 روانی معتقد در آن رو کتانی بود میسر دارد / بکتابت جویند در آن در قوس اول  
 البته در آن کتانی در آن لاری کتانی مامون تصدیق بر آن در عین موقوفه در نظر  
 دارم بعینت لاری و کتانی که در آن کتانی علمیه در علمیه نام لاری کار در آن  
 سلم بر سر و در آن کتانی لاری و کتانی همان است که اول رسد بدرد لاری و کتانی  
 خود که در آن کتانی در آن کتانی و کتانی در آن کتانی در آن کتانی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی



بسم الله الرحمن الرحيم

معرض مراد مرحوم محرم در روز ولادت حضرت سید الهدی علیه و سلم از  
 المعصومین آید و این دو بهر از همی مراجع صرفی و عقلی داده  
 بنیت سرت و حوسری صدر کرده از آن عتبت بگرایم ایتم حکم معسر  
 در شهر کتاری المعصومین نارت کرده و دی نوزدم بهر دردم به فرادوم نارت کرده  
 فقیر خود مرید او بت معول فرنام عتبت نزارم بنیت بهر شغبت بطول خودی  
 قائم بوده و ایتم و این در معسر سیرت و بهر بک رضای لنگه و نارت در نارت  
 نارت و دی معسر نزارم معصوم است که ایتم بقصد معسر نارت  
 ادعوی خودمان محروم معسر نارت در یکدیگر بکا هر سیرت اگر سیرت  
 به بهر خوراک سیرت سیرت و وقت کبیر با بنظام معسر نارت  
 در نارت نارت که دارم قبولیت یا عزیزیت نارت نارت خود را نارت  
 سب نارت نارت که خود را نارت نارت نارت نارت نارت نارت  
 خدمت بهر نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت  
 و معسر نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت  
 نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت  
 ادعایت خودمان محروم معسر نارت نارت نارت نارت نارت نارت  
 سیرت

کدام نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت  
 نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت  
 نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت  
 نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت  
 نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت نارت

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸





بسم الله الرحمن الرحيم  
عرض شود  
مخبره زنده از سرکاری و مهر حرم مورس دست مراجع

لذا موجب ریح مراد و بعثت سرسرت و در وقت که در تبریز بود فضا الهی  
در هر باره شرف زیارت عبات عالیات شرف یوم ارفل مادر گرام  
سدست برادر است موجود در دی و نیابت نارت مطالعه نمود بهر  
ام حق در اد مقام دی فراوان است و فرمود بعد از آن خود آن در تبریز  
استه فی کجه در خط آخر رسیده کرده بودیم و قصه و مفاد در تبریز  
بهر میانه خوب خط اول در این امر که مرکز است به حال تکلیف  
مستقیم بودم در درو و غریب عرض سرکار و مرعوم و محبت اب  
نه آنکه بهیچم و نکرادم حضرت عمره به عزم و این در شهر حاد اول  
صادق و ولاد که میسر شد ریف سلم بر سره منیت و خط  
لا ان مراد و بعد سرور صلح سلم کوشه هم در وقت بیان امر  
که کار مسلم و لکن سر و ولات و بکنه که سرانجام در خط  
هر چه متواتر خط کنه که سلطان که سر و ولاد که در تبریز  
انصرف است

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم

معرفت سراسر

سوره ۵ محرم در ۲۲ مهر مورخه در ۲۲ مهر

شریف سرکاردی که در روز اول آن مقامه حضرت پیرت سرت و خودت سرکار  
در سلطت از فرجه عالی زادگان اعظم این دنیا جوئی که نموده که ختم  
سرکاردی که است عرصه عرضت خود ام / در روز اول عرضت در جوئی که  
بوده و ثانیاً در مجموعاً هر نعمت است سرکار که ختم آن و آن جمله با او بود  
فقیده و فلفله است و ضعیفه کونی ماغ می‌تواند که بی‌موجب افشود که کافرا می‌تواند  
و اندر معنی آنرا کافره می‌تواند خوا. خوب مرقوم نظر نیست و خواه تا در حقوق  
فقو و کرده با هم که هر حال در روزی است. مگر آنکه تقاضای از خبر سرکاری  
نب است از یاره می‌تواند و هم ما دام حیوة است و طفیف را در راه رسیده ام و کاما  
فکر کار و کس و در جوئی که در روز ۱۱ و ۱۲م در ۱۳م در ۱۴م در ۱۵م در ۱۶م در ۱۷م  
همه اول در جوئی که با بسوزشتم نزد سرکار با منصرف بدین نحو در ۱۸م  
است تمام هست. علی‌کناره عرضت زادگان است و عرضت که سلم در تمام آن روزی  
با کلتوز صفت در جنبه راهی که سلم بر این معلوم شود در جمله حقوق نان و  
خوب است کار دارد و سفالت و غیره در جمله غیبی است از این غش زنا است  
هر اول آنها که در اعلام قدرت سر نه مصدع بر تمام و السلام در جمیع امور  
و در عرف مع این است

پیام بهارستان / د. س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

سلام علیکم

عزیز منم  
 به مردح سرف نام معلول در بهت عیب بوده و خواهر  
 نده بیاطاعت است چه دم بول بود هر سراج بی (ع) و فی سید و امیران کرامت  
 چندین بار در این راه بوده و در رکع از طرف امامت هم به این در بنده  
 بود که کاغذ کادو ایضا نمودم صد تکایم هم تقدیر در ایام دستور این کار  
 کرده و طبق وصول نوشته دادم نفایس چند روز در وقت علمیه و اولویت  
 و بی و در رکع بود کاغذ سرد را بخود در این زمان که خود در وقت  
 در فراموشی منزل کرده از هر دو دهنه منزل است به ذم کار در بنده  
 دست کرده مرتب کردند و کارها که ای داشته از شیر بوزن زدن و ای  
 دهنه ای را انجام داده اند و بیط اول ام گرفته اند هر از کف اشرف از راه  
 حیدر است سبقت مترقیه معقده است که بی بی نه از راه در سینه با  
 این سینه منزل مذاکره نمودند و امروز قدرت و غیره تا غروب  
 نماز هم بهتر شد و سعی است هر اول روز یکشنبه در راه حیدر است  
 کردند و هفت و گویای غیر از رکع تا بیته رفتن در کشتن ده  
 و اول این کار از ده نفر بود است بخوبی دتوه این سبقت و حق  
 بر یکتر دهنه کاغذ ع و با خوراک سینه از راه حیدر است  
 و این سبقت سلام بر سینه از راه سرف و بنده است  
 زیاده وقت نماز هم ع ایست

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض نمود  
 رتبه بر نوبه در حکم در ۱۵ شهریور موقوف چون سرکار  
 سرکاری و مهندسی و مدارس بر آن زاده بود بهجت شربت و خوشنما را مقبره کریم  
 بقدره الله تعالی و در روزی در میان کارات سرکار و سایر امور حقوق  
 حقوق و رتبه و نیز سول الله صلی الله علیه و آله و سلم است تقصیری  
 مودت و محبت در درجی هر دو در در مقام دی علی کفایت در وقت ندارد  
 در امور غیره و اینها در ایام دادن منتهی در وقت کردن نیابت زاریت  
 در در ایام مکرر عرض شد که محبت و شفقت میفرمایید طریقی را در خردی  
 بهتر میسازید عرض شد که همه اینها از سهم مقدس است عمده است  
 کتب بهین در خطه در سرکاری است بی نیام در سالی الله مقدر در حدود  
 باز داده و در هر زمان نیابت کارات طریقی است تا آنکه بقصد  
 نزدیک بهم مع ذلک خردانی می نماید هر وقت تمام حقوق تمام  
 الهی در داد و بخیرت بپوشانده و صدق و در علمه و در حق تمام  
 سلام بر سر نه اندر آنکه رسید از رسید از سر معلوم می باشد  
 تر از نام کار را در بیستم هر وقت تمام حضرت امیر مومنان  
 در امر او بقصد و در سید صدق و در سید حراد و در هر محرم  
 در سید علی و اینها بعد از سایر سلام بر سر اگر صلوات بر سر  
 و علی مع لای با بر جری در داد معلوم می شود در وقت و در حق  
 او بدست حضرت امیر و در حق ماضی و معروضی است  
 ای بود سلام بر سر همه اینها در علمه و در علمه و در علمه  
 مصدق بر سر از مسئله هر دو مع قولی است که در آنجا  
 زیاده و در حق امیر

بسم الله الرحمن الرحيم  
 در این نامه به عرض رسید که در روز ۱۵ شهریور موقوف چون سرکار  
 سرکاری و مهندسی و مدارس بر آن زاده بود بهجت شربت و خوشنما را مقبره کریم  
 بقدره الله تعالی و در روزی در میان کارات سرکار و سایر امور حقوق  
 حقوق و رتبه و نیز سول الله صلی الله علیه و آله و سلم است تقصیری  
 مودت و محبت در درجی هر دو در در مقام دی علی کفایت در وقت ندارد  
 در امور غیره و اینها در ایام دادن منتهی در وقت کردن نیابت زاریت  
 در در ایام مکرر عرض شد که محبت و شفقت میفرمایید طریقی را در خردی  
 بهتر میسازید عرض شد که همه اینها از سهم مقدس است عمده است  
 کتب بهین در خطه در سرکاری است بی نیام در سالی الله مقدر در حدود  
 باز داده و در هر زمان نیابت کارات طریقی است تا آنکه بقصد  
 نزدیک بهم مع ذلک خردانی می نماید هر وقت تمام حقوق تمام  
 الهی در داد و بخیرت بپوشانده و صدق و در علمه و در حق تمام  
 سلام بر سر نه اندر آنکه رسید از رسید از سر معلوم می باشد  
 تر از نام کار را در بیستم هر وقت تمام حضرت امیر مومنان  
 در امر او بقصد و در سید صدق و در سید حراد و در هر محرم  
 در سید علی و اینها بعد از سایر سلام بر سر اگر صلوات بر سر  
 و علی مع لای با بر جری در داد معلوم می شود در وقت و در حق  
 او بدست حضرت امیر و در حق ماضی و معروضی است  
 ای بود سلام بر سر همه اینها در علمه و در علمه و در علمه  
 مصدق بر سر از مسئله هر دو مع قولی است که در آنجا  
 زیاده و در حق امیر

پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ش ۶ / زمستان ۱۳۸۸

بسم الرحمن الرحيم

عمر مورد دهه کرمه / ۱۰ ریح اردل ۱۳۲۲ هجری قمری

در صحت مزاج هر کار و دل زاده و او هر صحت بهت جوهرش فایده کرد  
 سرسبز و کرمه که با روی گداز او هرگز نکرده و او هم تحمل و قوه  
 فراوانش می‌کنم همه اوقات در نهایت انزاع بودم همه از است  
 روز نبود بنوعیه با علم و با ناست که از ریشه م در عید بر در  
 است ایسر و درم است با از خود قوی می‌فروود و با از یک بیره  
 بود مخفی معطوف که می‌فروودند که در معراج سینه زدن است  
 می‌فروود و می‌فروود از دهه و صحت سلام روز ۲۲ اسفند سال  
 اگر کمال بود از خواسته بسیار بود با صحت و صبر این صفت  
 سلام مرا به او هر صفت می‌کنم اگر در صلاح است در این و در این  
 این می‌باشد است و این را در خوب است بعد از صفت از زمین  
 بعد از کرمه که در این است با در معراج است است در این  
 اما در این صفت است که با در صفت ط کرد در صفت است  
 که با در این صفت است که در در این صفت است که  
 من غله ابدت زنانه است معجزه است معجزه است که  
 اذن دادند که در وقت اذن برهنه است از وقت صفت  
 دانسته غرضت و ادله و ادله و ادله است و ادله است  
 سخن مستعد زدی و یک مطلب است که در این صفت است  
 در وقت در این صفت است که در این صفت است که  
 صلح بهاری در این صفت است که در این صفت است که  
 است که در این صفت است که در این صفت است که  
 مومنان است که در این صفت است که در این صفت است که  
 نور و صفت است که در این صفت است که در این صفت است که  
 که است که در این صفت است که در این صفت است که  
 با در این صفت است که در این صفت است که

این نامه به دست خود آیت‌الله میرفتاح شهیدی  
 در نجف اشرف در روز دوشنبه ۱۰ ریح ۱۳۲۲ هجری قمری  
 به تبریز ارسال گردید

Handwritten marginal notes in Persian script, likely commentary or additional text related to the main letter.

بسم الله الرحمن الرحيم  
عرض شود این پاره مراد کبریا در شرح و عهده لایحه  
سه چهار روز در تبریز که رسیده در سلامت مراد شود و وجود محترم و دل زار  
بهت سرت و جویند منکر کرده لغز در انچه تبریزه منور فخر کرده  
تصدیق این نیت الله ای طلب محترم و این همه مساهله از اقامت خواهد بود  
دلی و رضا اما که استه لایر در میر و دم زهرو بر میگردد با اینکه عرضی مانده و  
تلفه از او شکسته زنده ای بلی خورشید در این نرسیده فغله نخواست  
و تبریزت و خود سیه بنیاد در یکانه چه قدر و چند روز قربت کرده رسیده که  
یکه سیه اگر عرض بطول اینها حقیقه عدله و بریکه از نصف دور است  
شون است که کارهای این در این راه را با نظر در دست که در این راه  
بصالح و چه فغله در جرات علیه است خوب است در وجودت در این راه  
و ابتدا بر عرض او و حقیق او به پرت در زنده و مردانه را استخوانی است  
و این ما بود در جرات ثابت کند به بقیقا را تمام این جرحه است  
در این سیه که رسیده میان سینه ای را که در این سینه که رسیده  
بر این سینه خودتان را اما در این سینه که رسیده اینها در این سینه  
در سینه و کسبه را ای را از این سینه که رسیده در این سینه که رسیده  
به هم می کشند پس در مصوبت مس محرم در این سینه که رسیده در این سینه که رسیده  
به ایضا است کلام است در این سینه که رسیده در این سینه که رسیده  
عمر سینه که رسیده در این سینه که رسیده در این سینه که رسیده  
ایضا در این سینه که رسیده در این سینه که رسیده در این سینه که رسیده  
اندر این سینه که رسیده در این سینه که رسیده در این سینه که رسیده

پیام بهارستان / د. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

عمر من بود  
 سلام بر محمد و آله  
 سینه‌داران را در محراب شریف سرگامی و در من زاده آید  
 رحمتی و کلماتی به است خویشتن بهر لایحه و حینه در وقت جواب من منبر است عبادت تازه در من که با هر  
 دهن است سادت را در وقت برین وقت دارم مدتی است به نظر آردی سرکار را در این تمام آن در وقت  
 پیغمبر است ایام دارم به عقرب من می نویسد ای روحی سه لایحه نمود ای سر و دست من و ای  
 کمالی است که حلقی بود که آن بهت برکت است که آن است خود که بیاید به عقیده و به هم در عرض من  
 و سه محمد رفیع خدیو بود که در این سه دست و دست است و سلم بر سر او خوار و معنی در من است  
 حرکت کرد و در دعوت کثیره در دست تا حرکت نماند به هم عمر سادت من جهت میکند  
 محتاج دعا است خود است که من فریاد کنم نغمه در روز و فریاد اعلی و فعلی هم در دست  
 در بند منی بود که تقدیر در ذکر خیر سرکار عالی است و در این غایب نه سرکار را اینست با جنت  
 اطهار نمودند من به شکر که در حق سرکار دردی و غایت در دست مقصود است  
 بیت سلام بر سر اگر صلوات دهد همه سر خود را در سلام بر سر من در اینم صلات سر من  
 مضافه بنمایند من من زاده که سلام بر سر من به نظر قانع است

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی



ص ۱۰۰

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض شود

رو و وقت از عرض می‌لید و لطاف کاتب حضرت با در تعالی

انکه بپوسته مزاج شریف سرکاری و حسی معطلان در ابدت عتبه دل بوده و بکنیم در عتبات

دری بول کاعده چهل نهمه چون پس از زده تاخیر از یک ب مرتب بودند لکن از موجب

کرند. امید دارم بد سلامت و وقت موجود در این چند دیگر بوده است اگر اول یاد از شما

نواکیر هم نیست و دردی و نیست که است معطله لازم است عمل است از دی خبر از دستم

و در مهنوخ در قح کوفت خبر از قوم بغیر بکنم که صطرب بعد از زده که است است و

صفت ما سر و لب را سر سر کت بهد من و کتای وی هم نم به خدمت و در سینه از عده

سهم بر سن اهرت کی بود و اهرت سهم بر سر روز از را در عرض از عده و فوق

ای و عنوان است؟ سینه او این نژاد و سینه زیاد و عتبه مع است از عده و فوق

همسدر

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پرتال جامع علوم انسانی

ص

بسم الله الرحمن الرحيم

عرض نمود در هر سه روز، پنج و نودست و نطف و عمرت بودی  
 نسیه هم بچو و اهل باب و این خوشی بود مرکز و مراد ام سوختی است در اگر خوشه  
 با بر مرکبها قیاس نمود هر کس که بود مهمات بطریق اینم و وعده داده بودم  
 در این عیاشی سه شنبه سی روز را سال بسید، کبک سیزده نفر سینه بسید و درم سه بیست  
 خود، بی معصیه بر سید مولانا دی مکنه رد و خوب است این لذیذ تقصیر است  
 باج غالی دی کنتم و از فخر در میزای خود غواهی در عهد و در این است ب معصیه  
 قدرت و نوبت برسم در در خصوص حضرت شای بسید و درم در به است است با جعفر  
 منته کبک در دست علی است تمام دی نماند تا این بر جو است است به است  
 سه شنبه روزی در خرم و در بر علی زاده و در میزای بسید و درم در و در فاع و  
 بیت شکر ای سلم بر سینه آنکه بود اهرت و سره زاده آسالم و درم و کوه سینه است  
 در جلال قدرت بر نفعه صاعقه بر سینه هم اگر کرد در اگر کرد شرف هم هم هم  
 بنام و اندوهن با نایب هزاره خواجه را داده معصیه است جعفر صاحب

بسم الله الرحمن الرحيم  
 یا علی بن ابی طالب  
 یا محمد بن عبد الله  
 یا جعفر بن محمد

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
 پرتال جامع علوم انسانی

ب

بسم الله الرحمن الرحيم

عذر منقول مورده ۲۷ در کتب محتمه بر شمه حرر اسامی و غیره اول روزی دهم

بیت می‌نویسد در این مزاج شریف که کار دل داده است حرر منقول  
منتهی در جمعیت دین را بر با عقوبت کلیم داشت، ای طوطی که در دردم عمده و در کتب  
داده بود اسامی داده است فی سنج در کاعده چون که در این نوشته ام در ج کتب  
میفرماید بجهت خود می‌دهد مندانه آنکه کتب حسن وقت عیاشی که با  
خیر شده است / خوب است در در کتب منتهی داده امی نماند بلکه به سنج  
در وقت منتهی است محض است صدق و بی‌داد ای کتب منقول اولی در روز مسلم  
برین نه و منتهی است در وی و کس اولی که در کتب منقول خبر در وارد در کتب  
س با نماند مسلم بر این در کتب منقول و مدت شریفه منتهی که نماند چون در این  
اسامی در کتب منتهی است در وی و کتب منقول خبر در وارد در کتب منقول  
برین نه و منتهی است در وی و کتب منقول خبر در وارد در کتب منقول  
وقت دو ام اگر صدق است در کتب منقول خبر در وارد در کتب منقول  
در این نوشته باشد بتوسط سرکار وی آری در این نوشته است اسامی داده منقول

در کتب منقول

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

ص ۱

السلام علیکم وعلیٰ آئالتکم ورحمة ربکم

عرض می‌شود حوب مورخ ۱۳ شهریور در مورخ دومین در عصر اول  
 حظه بود که او در وقت برود توسط حضرت امام اول علیه السلام بطرح خط محرم که  
 اجزاء مورخه اولی در روز جمعه در وقت عصر سه تا چهارم به همراه بعضی  
 عدول که در آن زمان در آنجا بودند و در آن وقت در آنجا بودند و در آن  
 کاغذی که در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود  
 بلکه در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود  
 که در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود  
 قدر از خودی علی محمد / بعد از آن که در آنجا بود و در آنجا بود  
 حریم را روی کوی طبرستان / در آنجا بود و در آنجا بود  
 اول به در حال حرکت جماع باز منصف می‌شود آمده و فطر باشد  
 خوب است سر کار می‌آید و در آنجا بود و در آنجا بود  
 و در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود  
 در حرکت باشد و در آنجا بود و در آنجا بود و در آنجا بود  
 فخره که علی است خدمت نام آن حضرت علی و در آنجا بود و در آنجا بود  
 خودم و اینها همه بر سر است / اینها همه بر سر است و در آنجا بود و در آنجا بود  
 اینها همه بر سر است / اینها همه بر سر است و در آنجا بود و در آنجا بود

پیام بهارستان / ۲۰، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

۳۳

بسم الرحمن الرحیم

بعد از معذرت از کتبی که عذر من بود در معصومین  
 سرکار عالی صدق بنیاد در معصومین و محمد علی محمدیان  
 و شهدای و در معصومین در نهایت محبت و سلطنت بوده و پس از مدتی میرسد که در  
 ناحیه سرکار عالی حاصل رسیده و این امر از راه تاخیر در ارسال کتیب متوقف نمود  
 فوق بود که بگردد و در روز است عذر در کتیب من عمده ای که در کتیب من  
 تا حرفه تا رسیده است در سلطنت سرکار تقدیر نمودن مع ذلک بطرح خط شریف  
 خودی بوده و چشم به روی سرکار عذر و الاحقرم ۵ شهید و محمد علی محمدیان  
 هر یک که نباشد در این سرکار در اتصالات و غنیمت است و متوقف گردیده  
 فاطمه بنیه از حسن نیت است که کن به در وقت جهت میرسد البته این  
 در این مدت شرف معصومین است و نسبت و می باشد که سعادت و وفای  
 و می عهد به خودم در این شهید و در این راه است سلام بر شهید معصوم و به زاده  
 بود و می عهد به سلام بر شهید و در این راه است سلام بر شهید معصوم و به زاده  
 در باب در حضرت امیرالمؤمنین علیه الصلوٰه و السلام است عذر و احقرم ۵ شهید  
 معجزات این خودی شرف بود و در این مکان تقدیر است و عذر و احقرم ۵ شهید  
 در مقام دی احقرم از امیرالمؤمنین علیه الصلوٰه و السلام است عذر و احقرم ۵ شهید

بسم الله الرحمن الرحيم  
 معروض میرزا  
 این روز اول فروردین شریف و شاد است  
 و عینیت بوده و بسیار  
 مورخه ۳۰ اسفند در محرم کتات در محرم  
 بهت خوبتر بهر لایحه جهت تا غیر بهر شرف از جمله در محرم کتات در محرم  
 صبر کردم تا شب که بهندار صحاح در ۲۴ محرم وارد کتات شرف و در ۱۸  
 وارد کتات شد تا کتات در ۲۴ محرم در ۱۸ محرم کتات شرف و در ۱۸  
 با کتات شرف و در ۱۸ محرم کتات شرف و در ۱۸ محرم کتات شرف  
 در ۱۸ محرم کتات شرف و در ۱۸ محرم کتات شرف و در ۱۸ محرم کتات شرف  
 اگر چنانچه قتل در کتات است بوسیله سرکار شرف و در ۱۸ محرم کتات شرف  
 در ۱۸ محرم کتات شرف و در ۱۸ محرم کتات شرف و در ۱۸ محرم کتات شرف  
 تا به سلام بر سر جمعیت تقرب و در یک و دو الیه با همه که در آنجا  
 بسیار است که در محرم کتات شرف و در ۱۸ محرم کتات شرف

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸



بسم الله الرحمن الرحیم

عرض شود انه مراح ترف در بهت عشت برده و سپنج بهر

قبر در محرم و لو طاب بلوط کرده چون در محرم مراح ترف کرد و در روز زاری

حکایت دشت خون پاره مسرت و جویند روح داد مرغم در

در دیار اینت امر علم کف به ترف خود چه چیز بود و در محرم

بنوسم چه عرض کنم اگر بنامه شمت و شهر و صیبه در روز عاشورا

داکتره اگر کرده مسرت در روز سوا ایسر مشرا و جنون است اگر ترف

مانمیده روح داده در سوا ایسر و الله با ترف به ترف امر علم

در صحن آینه دماه با رک در مع جهان است این وقت است

داکتره صدق دلنیده ایس در سوا ایسر با ترف در روز کینه قول

موده و یک اقره و دامت کردن ترف ایسر خیرا و بهر عود

عجب خیر در سینه در سوا ایسر در سوا ایسر در سوا ایسر

مقرم ایس که مسرت در سوا ایسر در سوا ایسر در سوا ایسر

زادیم در سوا ایسر در سوا ایسر در سوا ایسر در سوا ایسر

با رک فراموش نغزیده مع ام ایس فراموش نغزیده مع ام

در سینه ای در رک بعد عود مراح در سوا ایسر در سوا ایسر

مسرت عود که مسرت در سوا ایسر در سوا ایسر در سوا ایسر

بسم الله الرحمن الرحیم  
عرض شود انه مراح ترف در بهت عشت برده و سپنج بهر  
قبر در محرم و لو طاب بلوط کرده چون در محرم مراح ترف کرد و در روز زاری  
حکایت دشت خون پاره مسرت و جویند روح داد مرغم در  
در دیار اینت امر علم کف به ترف خود چه چیز بود و در محرم  
بنوسم چه عرض کنم اگر بنامه شمت و شهر و صیبه در روز عاشورا  
داکتره اگر کرده مسرت در روز سوا ایسر مشرا و جنون است اگر ترف  
مانمیده روح داده در سوا ایسر و الله با ترف به ترف امر علم  
در صحن آینه دماه با رک در مع جهان است این وقت است  
داکتره صدق دلنیده ایس در سوا ایسر با ترف در روز کینه قول  
موده و یک اقره و دامت کردن ترف ایسر خیرا و بهر عود  
عجب خیر در سینه در سوا ایسر در سوا ایسر در سوا ایسر  
مقرم ایس که مسرت در سوا ایسر در سوا ایسر در سوا ایسر  
زادیم در سوا ایسر در سوا ایسر در سوا ایسر در سوا ایسر  
با رک فراموش نغزیده مع ام ایس فراموش نغزیده مع ام  
در سینه ای در رک بعد عود مراح در سوا ایسر در سوا ایسر  
مسرت عود که مسرت در سوا ایسر در سوا ایسر در سوا ایسر



بسم الله الرحمن الرحيم

عزیر مؤثر مورخه ۲۹ توبه در ۱۵ اسفند در وقت راجع خود کار  
 معین وقت آمده سرست و چون ایام بر آنکه بی تجربه کرده عرض می کند که آنچه را که  
 می خواهد با و می شود هر چه که در این وقت بی نهایت صلوات بر او در او می رسد خود  
 و تپس با بصر بر یک باطلی بریت استغفار و در آن ایام که در جهت بقدر  
 در این ایام که از دستگونه خشنند خداوند آنرا برت است و با اولیاء  
 در حج و طعم یک شت از مصروفات و با کارکنان زیاد است حج و کس و در  
 او جمع جمع سرایت کرده ام فوق این است که هر که از وقت تقدیر اندیش  
 آب آب سودی ندارد هر چه هم خواهد از این ایام که یکروز روز نشدگان هر چه بود  
 امروز که ۲۵ فروردین است بکنه تمام در حد این فقرات از حسب موج تا فردا  
 در ۳۵ فروردین به حرکت خواهد نمود علی این هر چه مال در این خانه هستند  
 تمام حرکت در این راه است علم بر تپس عاید می شود تا نم و سپه در زاده سرکاری  
 در امرت سلم بر سر زاده تقدیر است به صرفق ۲ بوئیدر

بسم الله الرحمن الرحيم  
 عزیر مؤثر مورخه ۲۹ توبه در ۱۵ اسفند در وقت راجع خود کار

فدات و سلطه بر عیال و بقره از این که از این که از این که  
 یاد آور در ظهر رفته ای که از این که از این که از این که  
 رخ داد مذکور آنرا سرست و در آن فرستید در حضور آن حضرت می فرمود  
 مصعبه نه در ام خالص ظهر معینوس مدست و سعادت را صد در  
 دی و نیت نادت از فقر است و خود هر چه هم می رسد عیال  
 و بگویند بهتر از فقیری است که تمام رفق و رفقاء و هر چه که در  
 حالی در می فرمود مسلم بر سخته بهتر است از هر چه که

بسم الرحمن الرحیم  
عرض شود این یکنه در ج مسود در این صحت و سلامت دود  
فادیه حضرت در عصر روزی از لایحه او دوده و بیخ جنبه فخر و کرامت  
و در آن کرد و بجهت آن مریض مراجع در بیدار و بر صحت و نوبت مریض  
بجواب نامه ام ایام در مردم در معصای هر که خودتان را عفو فرمایید  
هر حال یک یک که می‌کنند و روایت می‌کنند که فردا در می‌کند اما  
با و نسبت هم در این مقدم بصورت و سلامت کردن بر وجه این  
در ام ایام فراموش نفرمایید چون این دو جهت در این معنی  
است تمام ایام قیام که در این روز اول او به هر دو لایحه صحت  
سلام بر این و کامه خود را در این معنی حقیقت کند در  
سابق در هر حال که در این معنی است زود عهد در این معنی است  
بر این نوبت در روز دیگر که در این معنی است بر این معنی است  
خوردن سلام بر این زبانه که از این معنی است در این معنی است  
اگر این لایحه هم در جمع در این معنی است در این معنی است  
بر این معنی است در این معنی است در این معنی است در این معنی است  
سلام بر این معنی است در این معنی است در این معنی است در این معنی است  
سلام بر این معنی است در این معنی است در این معنی است در این معنی است  
سلام بر این معنی است در این معنی است در این معنی است در این معنی است  
سلام بر این معنی است در این معنی است در این معنی است در این معنی است  
سلام بر این معنی است در این معنی است در این معنی است در این معنی است  
سلام بر این معنی است در این معنی است در این معنی است در این معنی است  
سلام بر این معنی است در این معنی است در این معنی است در این معنی است  
سلام بر این معنی است در این معنی است در این معنی است در این معنی است  
سلام بر این معنی است در این معنی است در این معنی است در این معنی است

یا زین العابدین  
یا حمزه و ائمه

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

بسم الله الرحمن الرحيم  
رقم ۳۱۱۱ در ۲۲ شهریور ۱۳۸۸  
بنایت سرت و خوشتر و منکر که در حجتم که کبریا لم و لوطا و غیره  
دوی و بیست و نهار در حضرت مهدی و در احوال و بیست و نهار  
تا غم فدا شدن آن سر همه مومنان یک تو به مخصوص بر ما و از رفتن  
احوال و بیست و نهار در بیست و نهار در بیست و نهار  
سایه دارد و کاغذ بر او سوزم و کبریا و غیره بیست و نهار  
در حقیقت در آن وقت و آن همه کونه بر رویه و بزرگ است بیست و نهار  
طول عمر به با استقامت در دیانت و معنای رزق بیست و نهار  
بعد از آن وقت این خود سوزگار و بیست و نهار بیست و نهار  
موفق بودم خدمت محترم و فرزاده که منتهی عهد و بیست و نهار  
حجرت و خدمت را بر این عزیزان بیست و نهار بیست و نهار  
سهم بر سر و در آن سر و در آن همه کونه بیست و نهار  
افشوده و بیست و نهار بیست و نهار بیست و نهار  
عبادت و بیست و نهار بیست و نهار بیست و نهار

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

بسم الله الرحمن الرحیم

عرض نمود  
 رحمه محمده سر تا پا بودت در درگاهت که سر فصد در  
 نارت که از صحت مزاج شریفه سرکاری اولاد کامل کرامت است چون  
 رخ داد قهر بر آن متوب محرم حل مرقوم فرموده بود در بنظر ام عراب  
 سره و در درج خط خیر نوشته بود در عراب رسیده حضرت است  
 کرده ام هر دل فخره است اندر دردی و نیت نارت مصلحت نمود و  
 تا خیر عراب رفته خیره است در جگر او در کجای بی بدت کرد  
 مگر من اندک آنچه درین برتر است و کی به فانه که در دوم در  
 قبر لاری کرد خط سرکاری که رسیده و چند روز از تو خط نام عراب  
 خط نوشتن نمود و چند روز از مهمل وارد شد که عراب معون  
 اف و مع ذلک غنم در معنی ام به است عفو و عین معنی است  
 در وقت ترف سحر بیان که برین در سرکاری که او را در این  
 می‌بستم و نوی و حس حساس در فراموشی کرده ام و در هر دو  
 آن فراموشی که در کمال عدل سرکاری که در خط است  
 خود که که در دل می‌سازد کلام داده بود در غرض است  
 آنکه سر است و آن که در از سر چشم نه در برابر ذی اب  
 است که در کرامت دی بفرستد به بهیوت در است  
 فانه که در است با ذی که در خط است در وقت عمر  
 مسکن خود را که در هر دو که در سلم است در هر دو  
 سلم به سر دی دارند در هر دو صلوات سر نعمت معنی است  
 سلم به سر دی دارند در هر دو صلوات سر نعمت معنی است

پیام بهارستان / د. ۲، س. ۲، ش. ۶ / زمستان ۱۳۸۸

فهرست نوم  
 اسبیه در لطف حضرت لیز در حضرت  
 اتم پخته مردع شریف ارجو شود و محمد و کرم لاسمه می خواهد  
 لا زلوا در نهایت عتد دل و نظیر نظم مرت حضرت عجم عجم  
 و حینا و آیات کفری از عواند و پاره بوده و پیش قبر هر زدن سکون  
 در اول فزوده تا کبر با کمال خوش و عیفت در ۲۴ مصلحت دارد  
 سزا و هم قدر فرستاده است از آن روز تا اول ۲۹ مهر است  
 اعتیاد مقدسه هر وقت که محرم محرم شرف سوره ام چه در کاپلین چه در  
 چه در کف بر شرف موهبا در سر کاردانی باب هر ماه ۱۰ و ۱۰  
 سحر و قوه الهی را و اسکند در این است نه سحر که هم فراموش بود  
 کلام است در حضرت که ام جعفر از لفظ ان است و در خصوص  
 صبح و عصر بعد از روضه آن روز دم جالب فخر نه این که از آن حضرت  
 فراموش میفرماید که سحر و لیس در نزد منست نه است که در آن  
 حال چنین که محرم محرم بودم از آنچه می آورده شد میسر از این  
 حجت چه قدر مهم بودم سحر به تنی است که در کمال کمال است  
 حکای میبود در آن نام در دم علی به و بهند و مع وقت و حسن که هم  
 فراموش کرده و این فراموش میکنم قدر از عفو این از دست و مع  
 در آن وقت و در آن وقت که با سلام بر من و بعد از آن  
 و در آن وقت که در آن وقت که با سلام بر من و بعد از آن  
 در وقت وضعت فطرت این که حقی علی که در وقت  
 اگر صلاح داشته سحر فام ام سلام بر من

پیام بهارستان / ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶ / زمستان ۱۳۸۸

سر ل فرست احب و صدق قلبه علی کعبه کرم ل مرادو بعضی دن سیر مع ولا زاده کج کعبه  
سه سه رده سلم برینه ابر از دی ر حمر و انوسم نفر بنایه ه اجموع ح ه سه سه ر  
ادرس کوه موه عی ره فانه رده تر ر موعم معادن سه سه ر سه



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی